

موعود در ادیان و مذاهب*

افضل‌الدین رحیم‌اف**

چکیده

انتظار موعود در ادیان، تنها یک رویکرد عاطفی نیست، بلکه رویکردهای معرفتی، اجتماعی، اخلاقی و فردی را نیز شامل می‌شود. این انتظار همان‌گونه که به لحاظ فردی دارای آثار تربیتی و روان‌شناختی بسیار مؤثری است، به لحاظ اجتماعی می‌تواند عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و گرایش به زندگی مطلوب سیاسی - اجتماعی را مشوق باشد. از این رو انتظار همچون منشوری است که دارای تجلیات گوناگون است که در رأس همه آنها همدلی، صلح، انسجام و وحدت ادیان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: موعود، انتظار، اسلام، زرتشت، یهود، مسیحیت، بودا و برهمایی.

مقدمه

ابرقدرتهای جهان، هر چند با ادعای ایجاد وحدت جهانی در پی یک روش مادی و تجربی می‌گردند که دارای منفعت مادی باشد، ولی چون نسبت به ادیان عنایت ویژه‌ای ندارند، موفقیت چندانی کسب نمی‌کنند و لذا جهان امروز همچنان محل نزاع، جنگ ظلم و فقر است.

تاریخ تأیید: ۸۵/۱۲/۲۳

* تاریخ دریافت: ۸۵/۰۶/۱۴

** دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته کلام اسلامی، مدرسه عالی امام خمینی (ع) قم.

در عصر حاضر که عصر رشد انگیزه‌های معنوی جهان است، آشنایی با مشترکات ادیان ضروری است. این مشترکات هم به دو قسم کلی تقسیم می‌شود:

۱. مشترکاتی که فقط جنبه علمی و اعتقادی در جامعه دارد.

۲. مشترکاتی که علاوه بر جنبه اعتقادی، جنبه کاربردی و عملی نیز در جامعه دارد.

بدون شک قسم دوم در راه وحدت جامعه جهانی دارای اهمیت بسیار زیاد است. اعتقاد به منجی آخرالزمان و مباحث مربوط به آن هم از قسم دوم می‌باشد که بحثی اساسی و ریشه‌ای است. موضوعاتی که در این مسئله مطرح می‌شود و ادیان مختلف در آن متفق‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که علاوه بر وحدت اعتقاد، کاملاً جنبه علمی و کاربردی دارد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا مشترکات ادیان را در باب موعود و مسائل مربوط به آن بررسی کنیم و حتی‌الامکان نقش آن را در باب وحدت و اصلاح جامعه ذکر نماییم.

بشارت به منجی در ادیان

۱. در آیین زردشتی

در آیین زردشتی بر ظهور مصلح و موعود آخرالزمان تأکید شده است. بشارت‌های زیادی در این آیین از آمدن مردی الهی و درستکار خیر می‌دهد که با ظهور خود صلح و دوستی را بر عالم، حاکم خواهد ساخت. در کتب مقدس زردشتیان سه شخص وجود دارد که آنها را «سوشیانت» می‌نامند و به ترتیب عبارت‌اند از: «هوشیدر» (پرواننده قانون)، «هوشیدرماه» (پرواننده نماز و نیایش)، «استوت ارت» (آخرین منجی) که با آمدنش جهان نو می‌شود.^۱

طبق تعالیم آیین مذکور مهم‌ترین «سوشیانت» همان کسی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند، چنان‌که گفته‌اند: «سوشیانت مزدیستان به منزله کریشنای برهمن، بودای پنجم بوداییان، ماشیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.»^۲ یعنی سوشیانت به معنای خاص کسی است که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و آنکه سوشیانت پیروزگرنام خواهد داشت، «استوت ارت» نیز نامیده خواهد شد.^۳

در آیین زردشت و زردشتی، درباره آخرالزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری در این کتابها آمده است: اوستا، زند، جاماسب‌نامه، داتستان دینیک، زردشتنامه و... در اینجا به برخی از این اخبار اشاره می‌کنیم:

۱. «زندگان روی آورند (سوشیانت) پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند.»^۴

طهری

۲. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۲: «بدان هنگام که «استوت ارت» پیک مزدا اهوره - پسر «ویسپ تور ویری» از آب کیانسیه بر آید، گزری پیروزی بخش برآورد که فریدون دلیر، هنگام کشتن «ژی دهاک» داشت.»^۵

۳. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۵: «یاران «استوت ارت» پیروزمند به در آیند؛ آنان نیکاندیش، نیک‌گفتار، نیک‌کردار، و نیک‌دین‌اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند.»^۶

۴. اوستا، زامیاد پشت، بند ۸۸: «فرکیانی مزدا آفریده نیرومند، ابرکار، پرهیزکار، ارجمند، ماهر و برتر از دیگر آفریدگان را می‌ستاییم. فردی که از آن «سوشیانت» و یاران دیگرش خواهد بود.»^۷

۵. زند: «آن‌گاه پیروزی بزرگ از طرف خداپرستان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند. پس از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصل خود رسیده است. بنی‌آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست... «سوشیانت» آخرین منجی است که می‌آید و عالم را نجات خواهد داد.»^۸

۶. جاماسپ‌نامه، ص ۵۵: «از زمین تازیان (عرب) از فرزندان بنی‌هاشم، مردی بزرگ سر، بزرگ تن، بزرگ ساق بیرون آید و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد و عدل کند.»

۷. کتاب هفتم دیدیک: «چاره و درمان جمیع دردها و رنجها با اوست، رنج و بیماری و پیری و ظلم و بد دینی و فساد را ریشه‌کن سازد. مردمان ناپاک را نابود سازد و همه آنها را براندازد.»^۹

۸. جاماسپ‌نامه، ص ۵: «پیغمبر عرب آخر پیغمبران باشد که در میان کوههای مکه پیدا شود و بر شتر سوار شود... و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را... و از فرزندان دختران آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زمین نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد و دولت او تا به قیامت متصل شود و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود و آسمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها بر طرف شود...»^{۱۰}

۲. آیین بودا

در آیین بودایی نیز مسئله انتظار مطرح است و شخص مورد انتظار آنها بودای پنجم است.^{۱۱} مؤسس آیین بودا شخصی است به نام «سدهارتاجوتاما» معروف به «بودا». او کسی بود که در نپال متولد شد و بوداییها معتقدند که او آخرالزمان ظهور خواهد کرد و بشریت را از وضع موجود و گرفتاریها نجات خواهد داد. آنان معتقدند: «بودا با کامل کردن وظیفه خود با جسدش به آسمان رفته و بار دیگر به زمین باز می‌گردد، تا صلح و برکت را به مردم برگرداند.»^{۱۲}

۳. آیینهای هند و برهمایی

در کتب مقدسی که در میان هندوها و برهماییها به عنوان «کتب آسمانی» شناخته شده، اشارات فراوانی به مصلح آسمانی آخرالزمان هست که ما به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. کالکی، مظهر دهم ویشنو و اوپانیشاد، ص ۷۳۷: «او در انقضای کلی یا عصر آهنی سوار بر اسب سفیدی ظاهر می‌شود، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد و شیران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاک‌ی را رجعت خواهد داد.»

۲. باسک: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد. آنچه در دریاها و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد، خبر می‌دهد. از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.»^{۱۲}

۳. شاکومانی: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلایق در دو جهان (کشن) تمام شود و کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند؛ جن و انس در خدمت او شوند و از «سودان» که زیر خط استواست تا سرزمین «تسعين» که زیر قطب شمال است و ماورای بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد. و نام او «قائم» (ایستاده) باشد، و خداشناس باشد.»^{۱۳}

۴. ریک ودا، ماندا لای ۱۴، ۲۴ و ۲۵: «ویشنو در میان مردم ظاهر می‌گردد...؛ او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است...؛ در یک دست «ویشنو» شمشیری به مانند ستاره دنباله‌دار و در دست دیگر، انگشتری درخشنده دارد. هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید.»^{۱۴}

۵. اوپانیشاد، ص ۶۴۷: «کریشنا ظهور کرده و جهان را نجات می‌دهد.»^{۱۵}

۶. وشن جوک: «سرانجام دنیا به کسی بر می‌گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «فرخنده» و «خجسته» باشد.»^{۱۶}

۷. دیدیک: «پس از خرابی دنیا در آخرالزمان پادشاهی پیدا شود، دین خود آورد و همه کس را، از مؤمن و کافر، بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.»^{۱۷}

دادتک: «دست حق درآید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد، همه جا و خلایق را هدایت کند.»^{۱۸}

۴. کتب مقدس مانویه و جینها

در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویه، نام «خردشهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم مانی از مرد بزرگواری بحث شده که دوازده جانشین دارد و به وسیله آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت راه یابند.^{۲۰}

طالع

در کتاب مقدس جینها اوپانشاد، ص ۵۴ آمده است: «هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فراگیرد، شخص کاملی که آن را «تیرتنگر» (نوید دهنده) گویند، تباهی را از بین می‌برد و پاکی و صافی را از نو برقرار می‌سازد.»^{۲۱}

۵. دین یهود

نجات دهنده پایانی، بر مبنای معتقدات یهودیان «ماشیح» است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می‌سازد. اعتقاد بیشتر دانشمندان یهود بر این است که ظهور «ماشیح» و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین خواسته‌ها و نیازهای مردمان، بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات‌بخشی که کسی جز «ماشیح» نیست، پیش از آفرینش کائنات به «ذهن» خداوند خطور کرده است.

باید در نظر داشته باشیم که در عهد عتیق دو نوع منجی به نام «ماشیح» هست: برخی از اشاراتی که به منجی «ماشیح» شده، مربوط به عیسی مسیح علیه السلام است. برخی دیگر مربوط به منجی آخرالزمان می‌باشد که شخصی غیر از عیسی علیه السلام است. دلیل ندارد که همه، «ماشیح» را به عیسی علیه السلام نسبت بدهیم، چون:

۱. «ماشیح» حتی به داود علیه السلام (هوشع، فصل ۳، ج ۵)، سلیمان (مزمیر، فصل ۵، ج ۴۹)، داود دیگری (ازمیا، فصل ۳۰، ج ۹) و کورش (اشعیا، فصل ۴۵، ج ۱) هم گفته شده است. و این اسم فقط مخصوص عیسی علیه السلام نیست.

۲. عیسی علیه السلام که مسیحیان برای مردم معرفی می‌کنند «پسر خدا» است و حتی جنبه خدایی دارد (انجیل، یوحنا، فصل ۱) ولی دانشمندان یهود جملگی درباره یک نکته متفق‌الرأی بوده‌اند و آن اینکه «ماشیح» یک انسان عادی خواهد بود و هیچ جنبه خدایی ندارد. تورات و تلمود در هیچ جا به این اعتقاد که «ماشیح» ممکن است یک ناجی و موجود فوق انسانی باشد، اشاره نمی‌کند. (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۲؛ نجات بخشی در ادیان ص ۱۳۸)

۳. عهد عتیق از «دوباره آمدن ماشیح» چیزی ذکر نکرده است. در حالی که عیسی مسیح علیه السلام به عقیده مسیحیان دوباره می‌آید و جهان را نجات می‌دهد.

۴. بین بشارت‌های موجود در مورد ظهور مسیح و مصلح آخرالزمان فرق وجود دارد؛ زیرا اولی از اولاد اسحاق و دومی از فرزندان اسماعیل خواهد بود. (امام مهدی «عج»، ص ۱۱)

اخبار منجی در آیین یهود

۱. اشعیا، فصل ۱۱، ۱-۱۰: «تهالی از تنه یسی بر آمده، شاخه‌ای از شاخه‌های قد خواهد کشید. ذیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمینی به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد

بود. کمر بند کمرش عدالت و وفا نطاق میانش خواهد بود. زمین از دانش خداوند مثل آبهایی که دریا را فرو می‌گیرند، پر خواهد شد.»^{۲۲}

۲. دانیال، فصل ۱۲، جمله ۱-۵ و ۱۰-۱۳: «در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو «قائم» (ایستاده) است خواهد برخاست... و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد... آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهد بود، تا ابد؛^{۲۳} اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن! بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.»^{۲۴}

۳. مزمو، فصل ۳۷، جمله ۹-۱۳ و ۱۷-۱۸: «زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. همان بعد از اندک زمانی شیرین نخواهد بود در مکانش تأمل خواهی کرد. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شیرین شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای کاملان را می‌داند و میراث آنها خواهد بود، تا ابد الابد.»^{۲۵}

۴. مزمو، فصل ۹۶، جمله ۱۰-۱۳: «قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری غرش نماید. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آن‌گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می‌آید. زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.»^{۲۶}

۵. مزمو، فصل ۷۲، ۱-۲: «ای خدا! شرع و احکام خود را به ملک و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما! تا اینکه قوم تو را به عدالت، فقرای تو را به انصاف حکم نماید. تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود و تمام امم او را بندگی خواهند کرد؛ زیرا فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین را که نصرت کننده‌ای ندارد، خلاص خواهد داد. جانهای مسکینان را خواهد داد. جان ایشان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد. اهل شهرها مثل گیاهان زمین شکوفه خواهد نمود. اسم او ابدأ بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند. در او مردمان برکت خواهند گرفت... و تمامی زمین از جلالش پر شود...»^{۲۷}

۶. صفنیای نبی، فصل ۳، ج ۷: «آن وقت برگردانم به قومها «لب پاکیزه» را برای خواندن همه به نام خدا و عبادت کردن ایشان به یک روش و به یک دین.»^{۲۸}

۷. حبقوق نبی، فصل ۲، ج ۵: «اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.»^{۲۹}

۶. دین مسیح

در کتب مقدس مسیحیان (انجیل و ملحقات آن) از آمدن عیسی مسیح علیه السلام در آخرالزمان

طالع

بحث می‌شود.^{۳۰} به اعتقاد آنها عیسی مسیح علیه السلام همان «ماشیح» عهد عتیق می‌باشد که مسیحیان آن را هم کتاب مقدس خود به حساب می‌آورند. به بعضی از این اخبار اشاره می‌کنیم:

۱. انجیل متی، فصل ۲۵، ج ۳۱-۳۴: «و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه مقدس بر کرسی بزرگ خود قرار خواهد گرفت. همگی قبایل نزد وی جمع خواهند گشت».^{۳۱}

۲. انجیل متی، فصل ۲۵، ج ۲۷-۴۲: «همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد.»

۳. انجیل مرقس فصل ۱۳، ج ۲۶-۳۳: «در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد؛ ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس خبر ندارد... نه پسر هم...»

۴. انجیل لوقا، فصل ۱۲، ج ۳۵-۳۶: «کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را افروخته بدارید. پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»

۷. نظر اسلام (شیعه دوازده امامی)

شیعه دوازده امامی در اسلام، بر این عقیده است که در آخرالزمان منجی عالم ظهور خواهد کرد و زمین را آن چنان که از ظلم پر شده است، از عدل و داد پر خواهد کرد.^{۳۲} او دوازدهمین امام حضرت قائم مهدی (عج) می‌باشد که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.^{۳۳} و مادر او ملیکه خانم دختر یوشع قیصر، پادشاه روم، است.^{۳۴} حضرت مهدی در پانزدهم شعبان، سال ۲۵۵ق به دنیا آمده است. غیبت صغرای او تا سال ۳۲۹ق طول کشید و از آن به بعد در غیبت کبری است.^{۳۵} اعتقاد به این منجی که حضرت مهدی (عج) می‌باشد، یکی از ویژگیهای خاص شیعه دوازده امامی در اسلام است و ایمان به خروج مهدی (عج) واجب و اعتقاد به ظهور او ضروری شمرده شده است.^{۳۶}

بشارت قرآن و احادیث به منجی

وقتی برای جست‌وجوی آیات و روایات مربوط به منجی به کتب اسلامی مراجعه می‌کنیم، با انبوه کلان آماري مواجه می‌شویم، به طوری که حتی برخی از علما و محققان تعداد آیاتی را که درباره منجی تفسیر و تأویل شده است، حدود دویست آیه دانسته‌اند.^{۳۷} تعداد احادیث معصومین علیهم السلام را که به عنوان ثقل اصغر و یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی است، درباره منجی

آخرالزمان (عج) ۱۹۴۱ روایت دانسته‌اند که بدون تکرار در نظر گرفته شده است. این روایات اعم از روایات تفسیری، اخباری، تبیینی و تاریخی است.

اکنون به برخی از این آیات و در ذیل آن به روایات اشاره می‌کنیم:

۱. انبیاء: ۱۰۵: «لو لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون»

همانا، بعد از «ذکر» (تورات) در «زبور» (هم) نوشتیم: یقیناً بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد.

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از بندگان صالح در آیه شریفه، حضرت قائم (عج) و یاران اوست.^{۳۸}

۲. قصص: ۶۰ «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوراثة»

و ما اراده کرده‌ایم به آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند منت نهمیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

طبق روایات بسیار، این آیه دربارۀ مصلح جهان حضرت مهدی (عج) است که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و بساط ظلم را نابود می‌کند و پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد و کفار و ستمکاران را که مانند فرعون و هامان هستند، هلاک خواهد کرد.^{۳۹}

۳. نور: ۵۵: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض، كما استخلف

الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امناً، خداوند آنها را که از شما ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند. وعده داده است که در روی زمین جانشین سازد، چنان‌که پیشینیان را جانشین ساخت و آنان را از دینی که برای آنها پسندیده متمکن سازد و آنها را پس از خوف و وحشت به امنیت برگرداند.»
بنابر احادیث متعدد، این آیه دربارۀ قائم (عج) و یاران او نازل شده است.^{۴۰}

انتظار فرج در ادیان

کتاب مقدس یهود، مسیحیت و اسلام انتظار منجی را ثواب به حساب می‌آورد و بنابر معتقدات این ادیان یکی از صفات دینداران مخلص منجی این است که صبور و دائماً منتظر اویند.

۱. دانیال، فصل ۱۲، ج ۱-۵ و ۱۰-۱۳: «خوشا به حال آنان که انتظار کشند.»

۲. اشعیا، ج ۵۹، ص ۱۱: «انتظار می‌کشیم برای نجات...»

۳. انجیل لوقا، فصل ۱۲، ج ۳۵-۳۵: «خوشا به حال آن غلامان که آقایان خود را چون آید، ایشان

را بیدار یابد...»

طهری

سال ششم - شماره ۲۲ - تابستان ۱۳۸۱

۴. متی، فصل ۲۴، ج ۱۴: «هر که تا به انتها صبر کند نجات یابد.»

۵. رساله پولس به عبرانیان، فصل ۱۵، ج ۳۶: «شما را صبر لازم است تا اراده خدا را به جا آورده، وعده را ببینید؛ زیرا که بعد از اندک زمانی آن آینده خواهد آمد...»
۶. لوقا، فصل ۲۱، ج ۳۴-۳۸: «پس خود را حفظ کنید، مبادا دلها از پرخوری، مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردند و آن روز ناگهان بر شما آید... پس در هر وقت... شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید.»

۷. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۵۲، ص ۱۲۸: «قال رسول الله ﷺ: افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل؛ برترین اعمال امت من، انتظار فرج از نزد خداوند عزوجل است.»

۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۷: «کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: چه می‌گویید درباره کسی که دارای ولایت امامان است و انتظار حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه ستاد ارتش او بوده باشد. او مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مبارزاتش همراه بوده است، یا همانند کسی است که در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد، یا همانند کسی است که در زیر پرچم قائم بوده باشد، یا همانند کسی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شود...»

۹. کمال الدین، ص ۳۵۷، ج ۵۴ امام صادق علیه السلام: «طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبه؛ خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که منتظر ظهور او در عصر غیبت اویند.»

زمان ظهور منجی از دیدگاه ادیان

زمان ظهور منجی را هم می‌توان از مشترکات ادیان به حساب آورد، چون زمان معینی برای ظهور منجی در هیچ یک از ادیان تصریح نشده و فقط آخرالزمان بودن آن اشاره شده و اشاراتی که در برخی از اخبار آمده مجهول است. تفاسیری نیز که در این بابت نوشته می‌شود غیر دقیق و رأی خود افراد است. «مثلاً در آیین زردشتی برای ظهور هر منجی هزار سال در نظر گرفته شده است. اما توجیه این هزاره‌ها و تطبیق آن با تاریخ مشکل است.»^{۲۱}

الف) بنابراین می‌توان گفت زمان ظهور منجی در همه ادیان ناگهانی و غیر منتظره است. این به خصوص در آیین یهود و مسیحیت و اسلام دیده می‌شود:

۱. لوقا، فصل ۱۷، جمله ۲۰-۲۵: «چه زمانی ملکوت خداوند می‌آید؟ عیسی علیه السلام جواب داد:

ملکوت خداوند غیر مترقبه است.»

۲. متی، فصل ۲۴، جمله ۳۶: «جز خدا هیچ کسی اطلاع ندارد، حتی ملائک آسمان.»
 ۳. متی، فصل ۲۵، جمله ۱۳: «پس بیدار باشید زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید.»
 ۴. متی، فصل ۲۴، جمله ۴۴: «لذا شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»

۵. نامه اول پولس به تسالونیکیان، فصل ۵، ج ۱: «اما ای برادران در خصوص وقتها و زمانهای ظهور احتیاج ندارید که به شما بنویسم، زیرا خود شما به تحقیق آگاهید که در روز خداوند چون مثل دزد شب (بی‌خبر) می‌آید.»

ب) بنابر دین یهود، مسیحیت و اسلام کسانی که برای ظهور وقت تعیین کنند دروغگو و ملعون‌اند.
 ۱. بنابر کتب مقدس دین یهود و مسیح، محاسبه پایان تاریخ جهان و ظهور مسیح به شدت نهی شده است و بر کسانی که برای پایان ذلت اسرائیل و ظهور مسیح، زمان تعیین می‌کنند لعنت فرستاده شده است. (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۷)

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۱۶۰: امام زمان (عج): «و اما ظهور الفرج فانه الی الله تعالی ذکره و کذب الوقتون؛^{۴۲} ظهور فرج به فرمان خدای متعال وابسته است و تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.»

طاهر

امکان تسریع ظهور در ادیان

بنابر ادیان یهود، مسیح و اسلام می‌توان ظهور را به واسطه دعا، آمادگی مردم و... نزدیک کرد.

۱. اشعیا، فصل ۶ ج ۱۲۲: «من خداوند در وقت خویش آن را می‌توانم تسریع دهم.»^{۴۳}
۲. یوما ۸۲ الف: «توبه کار عظیمی است، زیرا نجات را نزدیک می‌کند.»
۳. سنهدین ۹۷ ب: «ظهور او فقط بسته به توبه مردم و اعمال نیکی است که انجام می‌دهند.»

۴. اشعیا، فصل ۳۳، ج ۳: «ای خداوند! بر ما ترحم فرما؛ زیرا که منتظر تو می‌باشیم و هر بامداد بازوی ایشان باشد و در زمان تنگی نیز نجات ما شود...»

۵. انجیل لوقا فصل ۲۱، ج ۳۵: «پس هر وقت دعا کردید بیدار باشید تا شباسته آن شوید که نجات یابید.»

۶. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴: «بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج، زیرا آن فرج شامست.»
 اهتمام و مداومت در دعا برای تعجیل فرج منجی (عج) با شرایط آن به قدر امکان، سبب می‌شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور سریع‌تر تحقق یابد.^{۴۴}

جهان پیش از ظهور (علائم ظهور)

می‌توان گفت آنچه درباره «جهان پیش از ظهور» در تک‌تک ادیان مشاهده می‌کنیم، کاملاً با یکدیگر مطابق است. این جهانی است که در زمینه‌های فردی و اجتماعی، نظام خانواده‌ها، جو طبیعت، وضعیت دین و مذهب به هم‌ریخته و غیر منظم است.

توصیف ادیان از جامعه عصر انتظار تنها در نوع اوصاف همانند نیست، بلکه این وصفها با عبارات و شیوه‌های واحدی نیز نوشته شده‌اند. به عبارت دیگر، به طور کلی وصف جهان انتظار در ادیان مختلف، الگوی واحدی دارد، یعنی جامعه‌ای است که در زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به ابتذال کشیده شده است. خرابی و تباهی در آن روز به روز بالا می‌گیرد تا به اوج خویش برسد و آن‌گاه است که فرج نزدیک است.^{۴۵}

اکنون به وضع جهان قبل از ظهور منجی در زمینه‌های مشترک ادیان اشاره می‌کنیم:

الف) جو فردی و اجتماعی قبل از ظهور

۱. در آیین زردشت

مردم طمعکارند و وفا به عهد نمی‌کنند.^{۴۶} خوبان، مظلوم و حقیرند. کشتن مردم نیک مثل کشتن مگس، بی‌اهمیت است.^{۴۷} نیکان خوی بد گیرند. بیشتر مردم نیک‌ورزی و ثواب‌کاری را رها می‌کنند و خرابکار و مکارند.^{۴۸}

خشونت و قساوت بر بیشتر دلها چیره شده و آنها را از سنگ و آهن سخت‌تر کرده است.^{۴۹} آزادگان آواره‌اند. هر کس بدتر است، کارش بهتر و به سامان‌تر باشد. راستی از بین رفته، «دروغ» رایج است.^{۵۰} فساد چنان دامن گرفته که زندگی برای مؤمنان بی‌مزه و غیر قابل تحمل شده است و مرگ را دوست دارند.^{۵۱}

مرگ ناپهنگام فزونی گشته است و پیری زودرس مردم را می‌آزارد.^{۵۲} مردم بی‌فایده‌اند و به وظایف خود آشنا نیستند. موازین اخلاقی وارونه شده است،^{۵۳} نادرستی و شهوترانی روش ستوده زمان است.^{۵۴}

۲. در آیین یهود و مسیح

«دنیا مجموعه‌ای است که هیچ نظامی بر آن حاکم و هیچ اصلی در آن پایدار نیست، رنجها و دردهایی که پیش از ظهور ماشیح (یا «مسیح») رخ می‌دهد به «دردهای زایمان» تعبیر می‌شود.»^{۵۵} دنیا همان حالت و موقعیتی را خواهد داشت که پیش از قیام ابراهیم داشت.^{۵۶} جهان تیره و تاریک با مردمان سنگ‌دل... دنیایی که ارکانش تباه است... جهانی که دستها و لبها و انگشتها به شرارت احدی را (از ترس) به عدالت دعوت نمی‌کند^{۵۷} و جز شرارت و بدی نمی‌زایند. پاهای برای

بدی دوان و به ریختن خون شتابان است، راههای کژ و مخوف می‌پیمایند و طریق سلامت و عافیت را نمی‌شناسند.^{۵۸} اندیشه‌ها جز بدی و زشتی نمی‌اندیشند. انصاف از آدمیان دور شده و عدالت با آنان فاصله گرفته است. مردمان چون سالکان طریق ظلمت‌اند.^{۵۹}

خلاصه به سبب گناهان فراوان جهان به تباهی کشیده شده است^{۶۰} بیشتر مردم ریاکار، دروغگو، خیانتکار، حریص، بددل، بی‌مهر، دور از صفات انسانی، و متنفر از نیکی هستند و فریب شیطان را خواهند خورد. آنها خود پرست، ناپاک، بی‌الفت، کینه‌دل، غیبت‌گو، متکبر، نامطیع والدین و ناسپاس‌اند.^{۶۱}

در اسلام (شیعه دوازده امامی)

بنا به نظر اسلام در جهان قبل از ظهور منجی (عج)، اگر چه حق به طور تمام نابود نشده است، اما سیر کلی جامعه به سوی زشتیها و نامردیهاست. خوبان آرزوی مرگ می‌کنند. راه نجات برای نیکان و نیک‌اندیشان به کلی مسدود و محیط به شدت مسموم و آلوده است. «جامعه‌ای که به هر یک از پایه‌های آن بنگری مرگ انسانی و نابودی اخلاق و معنویت را آشکار می‌بینی.»^{۶۲} امانتداری و صداقت از بین رفته است. دروغ افتخار شده، ربا، رشوه، قطع رحم و ظلم زیاد شده است. ساختمانهای بلند ولی دل‌های کوچک و نامرد. همه از هواهای نفسانی تبعیت می‌کنند. خون‌ریزی را سبک می‌شمارند. حلم، ضعف و ظلم فخر است. به طور کلی فسق و فجور، بهتان و طغیان علنی شود. «در جامعه هرج و مرج معنوی حاکم است. و پر است از جفا و جور. فرمانروای قلبهای آدمیان چیزی جز مال و پول نیست.»^{۶۳} مردم این عهد چون گرگان‌اند. راستی و حق به زمین فرو رفته است و مردم ریاکارند. مردان به مردان و زنان به زنان در آمیزند. آدمیان برونی آراسته و درونی تباه دارند. خوبان و نیک‌ورزان اندوهگین‌اند و آرزوی مرگ می‌کنند.^{۶۴}

ب) نظام خانواده

۱. در آیین زردشت

بنیاد خانواده‌ها فرو ریخته و بی‌بند و باری فزونی گرفته است. خانواده و نظام و ضوابط حاکم بر آن نیز دگرگون شده است و همانگی لازم را ندارد. مهر و محبت حقیقی از بین رفته است.^{۶۵}

۲. در آیین یهود و مسیح

مبانی خانوادگی به هم ریخته است. جوانان احترام پدر را نگه نمی‌دارند و دختران با مادر خود مخالف‌اند. فرزندان نامطیع‌اند.^{۶۶}

۳. در اسلام (شیعه دوازده امامی)

خانواده و اخلاق خانوادگی پست می‌شود. ارزشهای خانواده از بین می‌رود. طلاق زیاد گردد.^{۶۷} «تباهی اخلاق انسانی و ضعف مبانی عاطفی و خانوادگی بیش از آن است که بتوان

توصیف کرد. بنیادهای اخلاقی که اعضای خانواده را به یکدیگر پیوند می‌دهد مفهوم ندارد.^{۶۸} «رفتار فرزندان با پدر و مادر نیز وارونه است، به مرگ آنان خرسندند و شاد. بزرگ و کوچک مرز و حد خویش را نمی‌دانند. نه بزرگ، کوچک را نوازشگر است و نه کوچک، بزرگ را فرمانبردار.^{۶۹}»

ج) نظام حکومتی

۱. در آیین زردشت

گفتار رؤسا، بی‌اعتماد و مهر و فتوای داوران راست ارزش ندارد؛ ولی داوران بد و دستورها و فتوای آنها محترم شمرده می‌شود.^{۷۰} مردم بی‌سالارند،^{۷۱} ظلم حاکمان افزون‌تر شده و بی‌بند و باری آنان وصف ندارد. جور و ستم در تار و پود اجتماع دمیده شده است و کار جز بر مبنای زور نیست.^{۷۲}

۲. در آیین یهود و مسیح

در نظام حکومتی بی‌ثباتی و آشوب و ناامنی و هرج و مرج و ظلم جولان می‌کند. جنگها و خرابیهای مربوط به آن وجود دارد.^{۷۳} خرابی اورشلیم یکی از نشانه‌هاست.^{۷۴} هیچ کس از حاکمان و مردم هم به راستی داوری نمی‌کند. ظلم حاکمان پایان ندارد و مردم هم به ظلم بردبار شده‌اند.^{۷۵} رجال ظالم بر مردم حاکم می‌شوند.^{۷۶} رقابت دولتها و جنگ آنها با یکدیگر از سر گرفته شده است.^{۷۷}

۳. در اسلام (شیعه دوازده امامی)

خرابیهها فزونی می‌گردد. رژیمهای حاکم فاسدند. حکومت در دست افراد ناآگاه، کم‌مایه، ستمکار، بی‌بند و بار و فاسد است. آنان کمترین توجهی به ضعفا ندارند. «وزیران، دروغگو، ستمگر، نادرست و فاجرند. به طور کلی زمامداران پست‌اند که ریاست را یا برای تظاهر و یا برای گردآوری مال و ثروت می‌خواهند. حکومت در دست دغلكاران و ناشایستگان است. بنابراین هرج و مرج همه جا را فرا گرفته است. جنگها از سر گرفته شده است.»^{۷۸}

د) آفات طبیعی

۱. در آیین زردشت

بلاهای طبیعی افزون یافته و خرابیهها بیش از آن است که بتوان توصیفش کرد. ویرانی و آشوب زیاد است. فرآورده‌های جانوری و گیاهی نقصان دارد و آب چشمه‌ها خشک و تخم دانه‌ها کاسته شده، شیر و پشم گوسفندان کم شده و مرگ و نابودی چهارپایان افزون یافته است. پدیده‌های مختلف نیز واژگون شده و جریان طبیعی خود را از دست داده است.^{۷۹}

زمین‌لرزه‌های نابهنگام، تگرگ سرخ، برف سیاه، باران و شرور زیاد شده است. آنها طغیان می‌کند و سیل‌های ویران‌کننده و وحشت‌آور افزونی یافته است. خورشید ظلمت شده و ماه بی‌رنگ و بی‌مهر است. بلاها و آفات طبیعی و مرگ‌آور فراوان و بیماری‌های واگیردار افزون شده است.^{۸۰}

۲. در آیین یهود و مسیح

خرابی و نابودی زودرس در اثر بلاهای طبیعی، قحطی شدید، نعمتهای ناقص و زلزله‌های ناگهانی مرگبار زیاد می‌شود.^{۸۱}

۳. در دین اسلام (شیعه دوازده امامی)

مرگ ناگهانی زیاد می‌گردد. مرگ سرخ (ملخ قرمز) و مرگ سفید (طاعون) افزون می‌شود. وقوع زلزله‌های وحشتناک، خرابیهای زیاد، وزش بادهای سهمناک و شیوع بیماریهای خطرناک، طغیان رودخانه‌ها، نابودی کشت و کشاورزی، کم‌شدن و بی‌بهره شدن حیوانات، گیاهان، میوه‌ها، و گرسنگی هم از دیگر رخداد‌های جهان نزدیک به ظهور است.^{۸۲}

ه) وضع دین

۱. در آیین زردشت

ناهماهنگی و هرج و مرج در امور دینی، روحانیون و تشکیلات دین، قبل از ظهور مشاهده می‌شود از دین و مذهب تنها نامی باقی مانده و معنویات و صفایی که باید بر آن حکمفرما باشد از میان رفته است. بیشتر روحانیونی که اساسی‌ترین رکن پایداری دین هستند و نگهدارنده قوانین مذهبی هستند، گناهکارترین مردم‌اند. بنابراین دینداران واقعی آرزوی مرگ می‌کنند و آنها را آزار جسمی و روحی می‌دهند.^{۸۳}

۲. در آیین یهود و مسیح

مردم بی‌دین‌اند. عسرت را بیشتر از خدا دوست دارند، صورت دینداری دارند، ولی قدرت آن را انکار می‌کنند.^{۸۴}

۳. در اسلام (شیعه دوازده امامی)

در آخرالزمان مردم دین را به دنیا می‌فروشند.^{۸۵} دینداران کم شوند. اگر چه شمار علما به ظاهر بسیار است، اما فاسق و بد عمل‌اند. فقیه، احکام دین را به خاطر نیازهای کم‌ارزش جهان مادی دوست دارد. فتاوی‌ای شرعی بر وفق دین نیست، بلکه به میل و رغبت افراد است. فقط اسم و نوشته قرآن و اسم اسلام وجود دارد، ولی آنها در واقع متروک‌اند. قاریان به شمار بسیارند، ولی قاریان واقعی نادرند. قرآن به میل نفسانی افراد تفسیر و تأویل می‌شود. مساجد فقط به ظاهر

طهر

آراسته و آباد است. کسانی که در مسجدند و مسجد می‌سازند، بدترین افراد روی زمین‌اند.^{۸۶}
جاهلان عابد و نیز علمای واقعی دین پست شمرده می‌شوند.^{۸۷}

جهان پس از ظهور

در مورد جهان پس از ظهور، ادیان مختلف مشترکات چشم‌گیری دارند. حتی علاوه بر اشتراک در توصیف کلی جهان پس از ظهور، شاهد عبارات و الفاظی هستیم که با یکدیگر کاملاً مشابه و یکی هستند.

درباره آخرالزمان آنچه در ادیان مشترک است اینکه جامعه‌ای که پس از ظهور موعود تشکیل می‌شود، مجموعه‌ای به تمام معنا هماهنگ و زیباست. حکومتی جهانی بر بنیاد دین که از رهبری مرد الهی برخوردار است، حکومتی که در آن نادرستی و ناراستی نیست، جهانی که در آن دانش به اوج خویش رسیده و فرهنگ عمومی بدان حد رشد یافته است که نزاعها و کشمکشهای فردی وجود ندارد. عدل و داد بر همه ارکان جامعه حاکم است و فراوانی در همه مظاهر طبیعت به چشم می‌خورد. اقتصاد شکوفا و کشاورزی رونق یافته است. اشاراتی از نوع مهربان شدن گزندگان و درندگان با آدمی، ظاهراً کنایه‌ای است از آرامش و آسایش فراگیری که بر همه ارکان این جامعه حاکم و مسلط است. قانون مسلط در جامعه همان قانون خدایی است که در کتابش بر مردم فرو فرستاده است.^{۸۸}

ولی باید در نظر داشته باشیم که هر دین حاکم بودن ارزشهای خود و تعلیمات پیغمبران خود را در آن عصر مطرح می‌کند. مثلاً زردشتی معتقد است که کتاب *اوستا* حاکمیت می‌یابد. یهودی و مسیحی معتقد به پیروزی *تورات* و *انجیل*‌اند و شیعه هم حاکمیت قرآن را پیش‌بینی می‌کند. این جهان راحت و بی‌رنج تا آخرت ادامه می‌یابد و می‌توان گفت در همه ادیان، این مدت کوتاه است، ولی بدون هیچ تردیدی بعد از قیامت به زندگی ابدی منتهی می‌شود.

در اینجا به برخی از گفته‌های ادیان مختلف در بحث جهان پس از ظهور، اشاره می‌کنیم:

۱. در آیین زردشتی

در جهان پیش از ظهور رنج، بیماری، پیری، ظلم، بدبینی و فساد ریشه‌کن شده و راستی، آشتی و بی‌کینه‌ای رواج کامل یافته است. مردم به رستگاری روان، بیش از تن‌گرایش دارند، تا بدان‌جا که تنها شادی روان را می‌جویند و بس.

حیله و نیرنگ از بین رفته و صافی، سلامت و صداقت جای ناپاکیها را گرفته است؛ گرگ زمان سپری شده و میش زمان رسیده است. غم در دل کسی راه ندارد. آدمیان به شادی و خوشی

می‌زیند، زمانه بی‌اندوه است، روانها شاد و دلها مالا مال از مهربانی، عالم کیهان به سعادت اصل خود رسیده است، بنی‌آدم به تخت نیک‌بختی نشسته است. همه جا آبادانی است.^{۸۹}

«حکومت اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک به تحقیق پیوسته است.»^{۹۰} خوبان رجعت کرده‌اند.^{۹۱} دستورهای دینی، بدان‌گونه که در کتاب اوستا بیان شده، رواج پذیرفته است.^{۹۲} توجه به دین بیشتر شده و مردم با رغبت وظیفه‌های خود را انجام می‌دهند. اوضاع طبیعی هم با مراد و خواسته مردم سازگاری دارد و تنگی و خشکسالی از میان رفته، زمین همه نعمتهای خود را به مردم عرضه کرده است. نعمتهای طبیعی هزار برابر سود دارد.^{۹۳}

جهان از گناهکار خالی است و مردم نمی‌میرند. جهانیان با یکدیگر همانندند؛ یعنی اندیشه و گفتار و کردارشان همسان و واحد است؛ وحدتی کامل و بی‌نقص دارند. بنابراین، زمین پر از عدل و داد شده است. دولت منجی تا قیامت برپاست، ولی کوتاه مدت است.^{۹۴}

۲. در آیین بودا، مانویه و جینه‌ها

تیاهی نابود شده، خوبی و صافی حاکم است.^{۹۵} منجی همه را از گرفتاریها نجات داده است.^{۹۶} عدالت به تمام معنای خود حاکم بر جهان است و شریران نابود شده‌اند.^{۹۷}

۳. در آیین برهمنی

او خلقت را از نو تجدید کرده و پاکی را رجعت داده است.^{۹۸} همچنین دین را زنده کرده است و همه هدایت شده‌اند.^{۹۹} جهان پر از عدل و حق شده است.^{۱۰۰} شریران را تماماً هلاک ساخته است.

۴. در آیین یهود و مسیح

جهان پس از ظهور در کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) جهانی است که در آن آسایش همگانی فراهم شده و نیروی رشد و بالندگی جامعه به اوج خویش رسیده است، جهانی بس شگفت‌انگیز و داستانی... طبیعت، همه نعمتهای خود را در خدمت انسانها گذاشته است.^{۱۰۱} علاوه بر این، نعمت زمین هزار برابر شده است. زمین پر از طلا و نقره شده و خزائن آن را انتهای نیست.^{۱۰۲} جهان بسیار نورانی است. حاکم عادل که منجی است جهان را پر از عدل و داد کرده است.^{۱۰۳}

همه جا آبادانی است و هیچ ویرانه‌ای و خرابه‌ای وجود ندارد. آسایش به معنای کامل خود حتی بین چرندگان، خزندگان و درندگان هم برقرار شده است، به طوری که گرگ با بره سکونت دارد و پلنگ با بزغاله می‌خوابد، گوساله و شیر با هم خواهند بود و گاو با خرس خواهد چرید. حتی طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد.^{۱۰۴}

طهر

جنگ و خونریزی به طور کلی تمام شده و کسی به کسی تیغ نمی‌کشد. بنابراین هیچ گریه‌ای و شیونی وجود ندارد. همه شاد و خرم‌اند. مرگ هم برای ابد نابود شده است. زبانها گشوده و روان و گویا، چشمها بینا و پاها پر قدرت بر افعال خیر است.^{۱۰۵} بندگان همه یک‌دل، یک‌رأی و یک‌جهت با وحدت کامل در راه معرفت خدا گام بر می‌دارند. همه خداپرست شده‌اند.^{۱۰۶} این حکومت تا قیامت ادامه می‌یابد، ولی عمر این حکومت بی‌نظیر و دلپذیر پر از عدل و خوبی هم کوتاه است.^{۱۰۷}

۵. در دین اسلام (شیعه دوازده امامی)

جهان پس از ظهور، در نظر اسلام کاملاً هماهنگ و والاترین، شکوفاترین و ارجمندترین فصل تاریخ انسانیت است. «آن دوران، دورانی است که وعده‌های خداوند درباره خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وارث صالحان، عملی گردد. جهان با قدرت الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه شکوه‌مندترین عبادت پروردگار می‌شود.»^{۱۰۸}

فقر از بین می‌رود و استخراج گنجهای زمین و تقسیم آن بین مردم موجب رفاه عالی می‌شود.^{۱۰۹} منجی از زمین استوانه‌ای طلا بیرون می‌آورد.^{۱۱۰} خرابیها از بین می‌رود و در روی زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، مگر اینکه آباد گردد.^{۱۱۱} همه به دین پاک الهی هدایت می‌شوند و هیچ معبودی جز خداوند متعال نمی‌ماند، مگر اینکه دچار نابودی گردد.^{۱۱۲} خداوند هر بدعتی را به وسیله منجی از بین می‌برد و گنجها و معادن زمین را هم برای مردم ظاهر می‌کند.^{۱۱۳} رحمت الهی بسیار می‌شود و موجب تکامل علوم گردد و صنایع به طور کامل رشد و گسترش خواهد یافت.^{۱۱۴} حکومتی بزرگ‌تر از سلطنت سلیمان و ذوالقرنین برپا و زمین پر از عدل و داد می‌شود.^{۱۱۵} بساط ظلم نابود شده و ظالمان مغلوب گشته و روز روز خداست.^{۱۱۶}

ارزشهای معنوی و اخلاقی پایدار شده است.^{۱۱۷} هیچ کس از آسمان و زمین اعتراضی ندارد. امنیت همه جا را فراگرفته است. جانوران وحشی با انسانها و حتی بین خودشان هم مشکلی ندارند. عداوت و خصومت از دلها پاک گردیده است.^{۱۱۸} مردم وحدت فکری و معنوی دارند. مردم یک‌دل، با هدف واحدند.^{۱۱۹} مؤمنان راستین و خالص رجعت کرده‌اند و به یاری امام مهدی علیه السلام شتابان شده‌اند.^{۱۲۰} و این حکومت تا روز قیامت باقی است.^{۱۲۱}

نتیجه

باید در نظر داشته باشیم که انتظار در ادیان تنها یک رویکرد عاطفی نیست، بلکه رویکردهای معرفتی، اجتماعی، اخلاقی و فردی را نیز شامل می‌شود. و مهم‌تر از همه دارای آثار تربیتی و روان‌شناختی بسیار مؤثری است.

از این رو می‌توان انتظار را همچون منشوری دانست که دارای تجلیات گوناگونی است. اگر با همین نگاه مسئله را تحلیل کنیم، می‌توانیم به درک عوامل مؤثر وحدت ادیان مختلف دست یابیم. در اینجا به چند عامل از مهم‌ترین عوامل اشاره می‌کنیم:

۱. رفتار آگاهانه در پرتو شناخت آگاهانه

در واقع علت اختلافات و اتهاماتی که ادیان مختلف نسبت به یکدیگر دارند، این است که یا مباحث مشترک بین خود را نمی‌شناسند و یا آشنایی و آگاهی لازم و تحلیل صحیح از مشترکات ندارند. به همین دلیل بین ادیان سوء تفاهم ایجاد می‌شود. حتی نقاط اشتراک ادیان مختلف به جای اینکه وحدت ایجاد کند، در بیشتر مواقع دشمنی به بار می‌آورد.

مثلاً اکنون در آمریکا اعتقاد به انتظار که نقطه عطف و اشتراک بین اسلام و مسیحیت است، منحرف شده است. چنان‌که در آمریکا مسیحیان بیشتر از یهودیان حامی اسرائیل هستند؛ به سبب همین نوع تفسیر غلط و آشنایی منحرف. آنان معتقدند دشمن اصلی مسیحیان در جنگ «آرماگدون» که در اورشلیم رخ خواهد داد و «ضد مسیح» مشهور در کتاب مقدس، همان مسلمانان هستند.^{۱۲۲}

در اینجا هدف گم شده است. دشمن مسیح و ضد مسیح کسی است که مسیح را انکار کند^{۱۲۳} و دارای افعال ضد انسانیت است.^{۱۲۴} یعنی ظلم را در جهان پیاده، پایدار و یا از آن دفاع می‌کند، نه به خاطر اینکه چون صرفاً جنگ در اورشلیم واقع می‌گردد، دشمن مسیح، مسلمانانند. دقت کنیم که چه کسانی مسیح را نمی‌شناسند^{۱۲۵} و بر خلاف گفته‌های مسیح عمل می‌کنند. پس شناخت و تفسیر این مشترکات، در راه وحدت ادیان خیلی مهم و مؤثر است.

۲. امید به آینده بهتر

افسردگی به عنوان بیماری قرن، شایع‌ترین و دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن مواجه است و به شدت از عوارض رنج می‌برد. در مذاهب مختلف هم افرادی را مشاهده می‌کنیم که رشته‌های امید خود را به فردای بهتر بریده و گسیخته می‌بینند.^{۱۲۶}

باید دقت کنیم که انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواریهای آن، نیازمند انگیزه‌های نیرومند است که در پدیده «امید به آینده» تجلی می‌یابد؛ آینده‌ای که به مراتب عالی‌تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد. البته منظور امیدهای واهی نیست، بلکه امیدهایی است که از متن باورهای دینی افراد رویش کرده است. آن هم مسئله انتظار است که در ادیان مختلف وجود دارد. علاوه بر این، رویکرد «آینده‌گرا» با ویژگی «سلامت روان» از نسبت معقول و منطقی برخوردار است؛ چون بدون اعتقاد به آینده بهتر، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و روح و جسم آسیب

طهر

می‌بیند و اقدام به پرخاشگری، خشونت و انواع جنایتها می‌شود. علم روان‌شناسی امروز^{۱۲۷} این امر را تصدیق می‌کند.

افرادی که به فردای بهتر اعتقاد زیادی دارند، اصولاً دست به رفتار پرخاشگرانه، خصومت‌آمیز و خشن نمی‌زنند، با آرامش بیشتر راه حل مسالمت‌آمیز و علمی و منطقی را پیش می‌گیرند و تلاش می‌کنند که وقایع را درست تحلیل کنند. پس مسئله انتظار که وجه مشترک ادیان است، می‌تواند با حفظ سلامت روانی انسانها، راه صحیح را برای مذاکره ادیان و تقریب آنها فراهم کند.

۳. امید تحرک آفرین

مسئله انتظار در ادیان مختلف چند نکته آموزشی مشترک دارد:

۱. در اعتقاد به انتظار، تبدیل جهان کاملاً نامطلوب به جهان کاملاً مطلوب، نه اینکه محال نیست، بلکه منطقی و معقول هم هست.

۲. بنابر اعتقاد ادیان، علت غیبت نیز جهان نامطلوب، اعمال و رفتار خود انسانهاست و اجبار، سرنوشت و تقدیر گریزناپذیر از طرف خدا نیست.

۳. ادیان مختلف، جهان را در آخرالزمان، بدترین جهان معرفی می‌کنند. باید دقت کرد که انسانها را برای اصلاح آن، امر و تشویق هم می‌کنند. یعنی انتظاری که ادیان مختلف به ما معرفی می‌کنند انتظاری است که سازنده است و خنثی و مایوس‌کننده نیست.

۴. مراقبت دائمی

زمان ظهور منجی در ادیان به طور قطعی تعیین نشده است. بنابر دستورهای دینی ادیان، منتظر واقعی باید همیشه آماده باشد. بیشترین دقت در این آمادگی به رشد معنوی انسانهاست. علت اینکه بر انتظار منجی در همه ادیان تأکید شده است، علاوه بر حتمی بودن وقوع آن، تلاش برای خودسازی افراد است. دین یهود، مسیح و اسلام تأکید بر آن دارند که انسانها باید همیشه با تزکیه نفس و همراه اعمال صالح، منتظر منجی باشند و هیچ وقت از این مسئله غفلت نکنند. مراقبت دائمی که از انتظار الهام می‌گیرد، در اصلاح افراد جامعه و در نتیجه در سالم بودن کل جامعه تأثیر بسیار دارد.

پی نوشتها:

۱. محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۷.
۲. دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۱۳۷۳؛ محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، چاپ ششم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵۳؛ رسول رضوی، امام مهدی، چاپ اول، انتشارات مرکز مدیریت حوزه ۱۳۸۴، ص ۴؛ آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۶؛ سیدحسن ابطحی، مصلح غیبی، انتشارات آل یاسین، ۱۴۰۵، ص ۳۲؛ بشارت عهدین، ص ۲۷۲؛ به یاد مهدی (عج)، ص ۴۷.
۳. اوستا، دفتر سوم، فروردین پشت، بند ۱۱ و «سوشیانت به معنای «سودمند»، «استوت ارت» به معنای «نجات دهنده» است.
۴. نجات بخشی در ادیان، ص ۷.
۵. همان.
۶. همان، ص ۸.
۷. همان.
۸. مصلح غیبی، ص ۳۳؛ امام مهدی (عج)، ص ۵؛ بشارت عهدین، ص ۲۳۸؛ علی اصغر رضوانی، موعود شناسی، چاپ اول، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹.
۹. سوشیانت، ص ۱۰۴؛ به سوی آفتاب، ص ۱۵، به نقل از به یاد مهدی (عج)، ص ۴۸.
۱۰. بشارت عهدین، ص ۲۷۲ - ۲۷۳؛ به سوی آفتاب، ص ۱۵.
۱۱. خورشید مغرب، ص ۵۴؛ امام مهدی (عج)، ص ۹؛ موعود شناسی، ص ۱۰۲.
۱۲. موعود شناسی، ص ۱۰۲.
۱۳. به یاد مهدی (عج)، ص ۴؛ بشارت عهدین، ص ۲۴۶ - ۲۴۷؛ امام مهدی (عج)، ص ۹؛ به سوی آفتاب، ص ۱۵-۱۶.
۱۴. به یاد مهدی (عج)، ص ۴۷.
۱۵. همان، ص ۴۹.
۱۶. همان.
۱۷. امام مهدی (عج)، ص ۸؛ آیت الله مکارم شیرازی، انقلاب جهانی مهدی (عج)، چاپ پنجم، انتشارات هدف، ۱۳۷۱، ص ۵۴؛ به سوی آفتاب، ص ۱۶.
۱۸. بشارت عهدین، ص ۲۴۵؛ امام مهدی (عج)، ص ۸.
۱۹. انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص ۵۵.
۲۰. به یاد مهدی (عج)، ص ۴۸.
۲۱. همان، ص ۴۹-۴۸.
۲۲. بشارت عهدین، ص ۲۵۲-۲۵۵؛ مهدی (عج)، ص ۱۲-۱۳؛ به یاد مهدی (عج)، ص ۴۴ - ۴۶؛ خورشید مغرب، ص ۴۵؛ موعود شناسی، ص ۱۰۹؛ به سوی آفتاب، ص ۱۸.
۲۳. همچنین در اشعیا، فصل ۴۵، جمله ۱۶-۲۵.
۲۴. به یاد مهدی (عج)، ص ۴۵؛ بشارت عهدین، ص ۲۶۸؛ خورشید مغرب، ص ۵۶.

طالع

سال ششم - شماره ۲۲ - تابستان ۱۳۸۶

۲۵. به یاد مهدی (عج)، ص ۴۵؛ بشارت عهدین، ص ۲۲۶؛ مهدی (عج)، ص ۱۱؛ خورشید مغرب، ص ۵۶.
۲۶. همان.
۲۷. بشارت عهدین، ص ۲۴۹.
۲۸. بشارت عهدین، ص ۲۴۰-۲۴۱.
۲۹. به یاد مهدی (عج)، ص ۴۵؛ مهدی (عج)، ص ۱۲؛ به سوی آفتاب، ص ۱۸.
۳۰. بیشترین نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، که این تعبیر طبق نوشته مسترهاکس آمریکایی (متخصص انجیل شناسی)، «بیش از هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن» تکرار شده که فقط سی مورد آن با عیسی قابل تطبیق است. «فاموس مقدس، ص ۲۱۹» و «پنجاه مورد دیگر آن از نجات دهنده‌ای سخن می گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و غیر از عیسی علیه السلام است، و حضرت عیسی هم با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد.» (به یاد مهدی، ص ۴۵) ولی بیشتر علما و مفسرین انجیل معتقدند که همه این موارد فقط به عیسی علیه السلام اشاره دارد.
۳۱. «و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کند و پسر انسان را ببیند که بر ابرهای آسمان با قدرت و جلال می آید...؛ اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان هم.»
۳۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰.
۳۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۳.
۳۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۹۲؛ به نقل از: مهدی در روایات، ص ۴۵-۴۶.
۳۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲؛ ج ۵۲، ص ۱۵۵؛ نقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، نشر و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۴۹.
۳۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۹۰؛ ج ۲، ص ۳۴.
۳۷. تاریخ زندگانی مهدی (عج)، ص ۷۴.
۳۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ امین الدین طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۶۷-۶۶.
۳۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴؛ بتایع الموده، ص ۴۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۵۴؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵؛ صادق حسینی شیرازی، موعود در قرآن، چاپ اول، مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۶۰، ص ۲۹.
۴۰. فیض کاشانی، تفسیر صافی، چاپ ششم، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۴۴؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲؛ تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۱۴۷؛ الفیبه، نعمانی، ص ۱۲۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۱۳۶.
۴۱. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۱۷.
۴۲. یاد محبوب، ص ۷۸.
۴۳. این جمله را بدین طریق تفسیر کرده‌اند: «اگر امت اسرائیل استحقاق آن را داشته باشد نجات ایشان را تسریع خواهم کرد.» (ستهدرین، ص ۹، الف: به نقل از گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۷).
۴۴. سیدمحمدتقی موسوی، مکیال المکارم، ج ۱، چاپ اول، انتشارات نگین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱۵.
۴۵. نجات بخشی در ادیان، ص ۲۴۵.
۴۶. زردشت‌نامه، ص ۸۸ و ۹۱، بیت ۱۳۵۲-۱۴۰۰؛ زردشت‌نامه، ص ۹۲، بیت ۱۴۰۵.

۴۷. زند بهمن، ف ۴، ب ۴۰؛ زردشت‌نامه، ص ۹۰، بیت ۱۳۷.
۴۸. جاماسپ‌نامه، ص ۸۳؛ زند بهمن، ف ۴، ب ۱۳، ۱۰، ۲۱.
۴۹. جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۸.
۵۰. زردشت‌نامه، ص ۹۰، ب ۱۳۷۹؛ ص ۹۱، ب ۱۳۷۹؛ جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۲.
۵۱. جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۴.
۵۲. همان، ف ۱، ب ۷.
۵۳. همان ص ۸۶؛ زردشت‌نامه، ص ۸۹، ب ۱۳۶۸.
۵۴. زند بهمن ف ۴، ب ۲۰.
۵۵. اشعیاء، ف ۲۶۰، جملات ۱۶-۱۸.
۵۶. سفر پیدایش، باب ۱۴، کتاب حزقیال، باب ۲۹.
۵۷. اشعیاء نهمی، باب ۵۹، جملات ۳-۵.
۵۸. همان، باب ۵۹، جملات ۴-۸.
۵۹. همان، باب ۵، جملات ۹-۱۵.
۶۰. لوقا، فصل ۲۱، جمله ۶-۲۴.
۶۱. رساله اول پولس به تیموتاؤس فصل ۴، ۱-۴؛ رساله دوم پولس به تیموتاؤس، فصل سوم، ج ۱-۹.
۶۲. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۶۱.
۶۳. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۶۳؛ کمال‌الدین ص ۴۲۴؛ آیت‌الله لطف‌الله صافی، منتخب الاثر، چاپ سوم، مکتبه الصدر، ص ۴۳۵-۵۲۷؛ محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر، چاپ دوم، نور الاصفیاء، تعلیق: سید جواد میرشفیعی، ۱۳۷۹، ص ۸۸-۸۷، ۹۲-۹۱ و ۹۵-۹۴؛ سید صدرالدین صدر، المهدی، ترجمه محمد جواد نجفی، چاپ سوم، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۵۶، ص ۲۶۳؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۳۸؛ شیخ طوسی، غیبت، تحقیق تهرانی و ناصح، قم، چاپ اول، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۵۷؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷.
۶۴. نور الابصار، باب ۲، ص ۱۵۵؛ مهدی منتظر، ص ۸۸-۸۹، منتخب الاثر، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴ و ۱۱۷؛ غیبت طوسی، ص ۳۴۰؛ غیبت نعمانی، ص ۱۲۸؛ کمال‌الدین، ص ۳۴۲؛ مهدی منتظر، ص ۱۵۸-۱۶۰.
۶۵. جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۴؛ زند، ف ۴، ب ۱۰؛ ف ۶، ب ۱۱.
۶۶. غزلهای سلیمان، فصل ۲، جملات ۱۲-۱۳؛ رساله پولس به تیماتئوس، باب ۳، جملات ۱-۹.
۶۷. نور الابصار، باب ۲، ص ۱۵۵.
۶۸. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۶۵.
۶۹. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۶۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۵؛ مهدی منتظر، ص ۱۵۴-۱۵۸.
۷۰. زند بهمن، ف ۴، ب ۳۸ و ۳۷.
۷۱. همان، ص ۸۹، ب ۱۳۶۸.
۷۲. زردشت‌نامه، ص ۹۰، بیت ۱۳۷۶.
۷۳. متی، فصل ۲۴، جمله ۶-۷.

طلب

۷۴. متی، فصل ۲۴، ج ۲؛ فصل ۲۱، ج ۱۰، ۹ و ۲۴.
۷۵. اشعیا نبی، فصل ۵۹ جمله ۵؛ متی، فصل ۲۴، ج ۶۰۷.
۷۶. رساله اول یوحنا، فصل ۲، جمله ۱۸.
۷۷. کتاب مرقیال، باب ۲۹ و ۳۸؛ سفر پیدایش، باب ۱۴؛ گنجینه‌های از تلمود، ص ۲۰۰؛ سنهدرین، ۱۹۷ الف.
۷۸. نجات بخشی در ادیان، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۶، و ۴۲۸-۴۳۲؛ مهدی منتظر ص ۸۸۸۶؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۹.
۷۹. زند بهمن، ف ۴، ب ۴۲؛ زردشت‌نامه، ص ۹۰، ب ۱۳۸۳؛ جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۵.
۸۰. زند بهمن، ف ۴، ب ۴، جاماسپ‌نامه ۸۵؛ زردشت‌نامه، ص ۹۵، ب ۱۴۵۲-۱۴۵۱؛ جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۵؛ زند، ف ۶، ب ۴؛ عاموس، ج ۴، ص ۷.
۸۱. اشعیا، ۹۵؛ لوقا، فصل ۲۱، ج ۲۶-۲۵، ج ۱۱؛ ج ۲۳.
۸۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ت ۲۱۳-۲۰۳، ص ۲۲۹، ص ۲۳۵، ج ۵۳، ص ۸۲-۸۴؛ ارشاد مفید، ص ۴۰۵؛ غیبت طوسی، ص ۲۷۷؛ المهدی، ۲۴۹-۲۵۱ و ۲۵۲-۲۶۲؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۳؛ غیبت طوسی، ص ۱۷۸ و ۴۳۸؛ منتخب الاثر، ص ۵۴۶ و ۵۳۹.
۸۳. زند، ف ۴، ب ۳۰ و ۴۱؛ جاماسپ‌نامه، ف ۱، ب ۷؛ زردشت‌نامه، ص ۹۲، بند ۱۳۵۰-۱۳۵۷؛ زند، ف ۴، ب ۴۹؛ ف ۹، ب ۱۰، زردشت‌نامه، ص ۹۲، ب ۱۳۹۵-۱۳۹۰.
۸۴. رساله اول پولس به تیماتوس، فصل ۴، جمله ۱-۲.
۸۵. نورالابصار، باب ۲، ص ۱۰۰؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۵، حدیث ۱۵.
۸۶. نهج البلاغه، قسمت ۳، ص ۴۰۰.
۸۷. منتخب الاثر، ص ۴۲۴ و ۴۲۸ تا ۴۳۲؛ المهدی ص ۲۶۸-۲۶۷؛ مهدی منتظر، ص ۸۱ تا ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳-۲۱۰.
۸۸. نجات بخشی در ادیان، ص ۲۴۶.
۸۹. جاماسپ‌نامه، ص ۸۹؛ گزیده‌های زاد سیرم، ف ۳۵، ب ۲؛ زند بهمن، ف ۷؛ جاماست‌نامه، ص ۸۸؛ نجات بخشی در ادیان، ص ۷۰-۷۲.
۹۰. نجات بخشی در ادیان، ۶۹؛ جاماسپ‌نامه، ص ۸۸.
۹۱. زامیاد پشت، ب ۱۱.
۹۲. نجات بخشی در ادیان، ص ۷۰.
۹۳. همان، ص ۷۰؛ زند بهمن، ف ۱ تا ۷.
۹۴. زند بهمن، ف ۱ تا ۷؛ نجات بخشی در ادیان، ص ۲۴۷.
۹۵. اپانیشاد، ص ۵۵.
۹۶. همان.
۹۷. شاپو مرگان، ص ۸۸.
۹۸. اپانیشاد، ص ۷۳۷.
۹۹. دادتک کتاب، ص ۷.

۱۰۰. اویانیشاد، ص ۷۳۷.
۱۰۱. اشعیا، فصل ۳۵، جمله ۷ تا ۱۰، فصل دوم، جمله ۷: مکاشفه یوحنا، فصل ۲۲، جملات ۱ تا ۶
۱۰۲. اشعیا، فصل ۳۰، جمله ۲۶/ اشعیا، فصل ۲۵، ج ۱۸ همان، فصل ۱۱، ج ۱۰-۱.
۱۰۳. مکاشف یوحنا، فصل ۲، جملات ۴ تا ۸
۱۰۴. همان، فصل ۲، جمله ۴: هوشع، فصل ۲، جمله ۱۸.
۱۰۵. صفنیا، فصل ۳، ج ۹.
۱۰۶. صفنیا، فصل ۳، ج ۹.
۱۰۷. مکاشفه یوحنا، فصل ۲۰، جمله ۴.
۱۰۸. ینابیع الموده، ص ۴۲۶-۴۲۵: امام مهدی (عج)، ص ۱۵۳.
۱۰۹. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۶۸ ج ۵۲ ص ۳۹۷.
۱۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۵۱: منتخب الاثر، ص ۴۷۲.
۱۱۱. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۳۷: کمال الدین، ص ۳۳۱.
۱۱۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۴۰، ص ۳۶۶: کافی، ج ۱، ص ۴۱۲.
۱۱۳. کمال الدین، ص ۳۳۲.
۱۱۴. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۳۶ ج ۵۲ ص ۳۹۱: و ص ۳۲۱ - ۳۳۶: منتخب الاثر، ص ۳۰۹.
۱۱۵. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۲۱ ج ۵۱ ص ۸۱: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۲۸: علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، چاپ چهارم، شرکت چاپ بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۹: مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۵: از ظهور تا پیروزی، ص ۳۴۶، ۳۶۷، ۳۷۰.
۱۱۶. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۷ و ۲۱۸: غیبت نعمانی، ص ۱۲۷.
۱۱۷. ینابیع الموده، ص ۴۲۴ و ۴۲۸.
۱۱۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۷ - ۳۸۶: ینابیع الموده، ص ۴۰۱.
۱۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۵۷۸: منتخب الاثر، ص ۴۷۸.
۱۲۰. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۶۱ - ۶۵: ینابیع الموده، ص ۴۸۷ - ۴۶۸.
۱۲۱. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۴۰، ۳۹، ۵۰، ۵۶، ۵۶: غیبت طوسی، ص ۲۲۹.
۱۲۲. گفتمان مهدویت، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰.
۱۲۳. رساله اول یوحنا، فصل ۲، ج ۲۲.
۱۲۴. باید در نظر بگیریم که یهودیان عیسی را قبول نداشتند.
۱۲۵. رساله اول یوحنا، فصل ۳.
۱۲۶. برتراند راسل، آیا بشر آینده هم دارد؟، ترجمه منصور، ص ۲۳۸: گفتمان مهدویت، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۱۲۷. روانشناسی کمال، ص ۲۱۰-۲۱۱: گفتمان مهدویت، ج ۲، ص ۱۳۰.

طلوع

سال ششم - شماره ۲۲ - تابستان ۱۳۸۶